



داکتر سید عبدالله کاظم

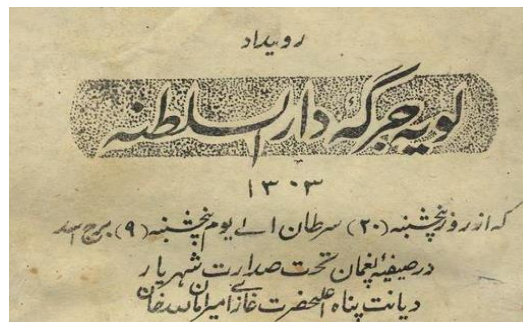
به همکاری: محمد ایاز نوری (آزادی) و نازک میر زهیر

16 آگست 2016

"رویداد لویه جرگه دارالسلطنه 1303"

(به تقریب نود و هفتمین سالگرد استرداد استقلال افغانستان)

(قسمت ششم)



د پانو شمیره: له 1 تر 7

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلېکنې د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولئ

کوائف لویه جرگه در ظهر یکشنبه [شنبه] ۲۸ سرطان

بعد از صرف طعام و ادای صلوٰة و اجرای برخی از امورات ضروری و عادی، ذات جهانبانی چند دقیقه پیشتر از ساعت (۲) بمجلس احضار یافتند، ولی چندی از شرکاء لویه جرگه بواسطه روز اول بودن و درست معلومات نداشتن بوقت و زیاده تزییع اوقات نمودن چند دقیقه از وقت موعود، پستر رسیدند، لهذا اعلیحضرت غازی درینجا فرصت را غنیمت پنداشته محض بغرض مزید داناندن قدر و قیمت وقت تعریفاً الفاظ ذیل را ایراد نمودند.

اعلیحضرت: بنام خدا آغاز میکنم. انسانها از ساعتها، از دقیقه ها، از ثانیه ها کار میگیرند و فوائد بر میدارند. امروز دشمنهای ما در امورات دنیائی خود مانند برق کار میکنند و اظهار فعالیت میورزند و عالم اسلام در اموری که نه تنها در دنیا بلکه بعضی آنها نیز فوائد را عائد میسازد، سستی میکنند و تنبلی را نشان میدهند. قبل از اختتام مجلس در عمل توپ [مقصد از اعلام ظهر به وسیله فیر توپ است] بشما گفته شده بود که مجلس پوره بساعت (۲) آغاز میشود، هنوز که چند دقیقه از وقت گذشته، می بینم که چند تنی از شما اکنون حاضر میشوند. چون غرض از انعقاد این مجلس رفاه و آسایش دینی و دنیوی شماست، پس هر قدریکه قدردانی اوقات این محفل را بنمائید، بهمان اندازه گویا که شما در رفاه و آرامی خود کوشیده اید و چندانکه وقت و فرصت این حفله را از دست دهید، بهمان مراتب گویا بر خلاف آسایش و رفاهیت خویش کار کرده اید. سر از فردا باید به اوقات معینه در مجلس حاضر باشید.

من نمیگویم زیان کن یا بفکر سود باش
ای ز فرصت بیخبر در هر چه هستی زود باش

معاهده افغانیه با ترکیه

{می بایست که ما صورت مذاکرات لویه جرگه را که در عهد نامه ترکیه نموده اند، نیز مانند دیگر مذاکراتیکه در معاهدات دیگر بعمل آمده است، نمی نوشتیم اما از آنجا که پیشتر درین معاهده مورد مباحثه و مذاکره مسئله خلافت و ادامه روابط و عدم قیام مناسبات ترکیه و افغانیه بوده است که با همچه مسائل تمام اسلام علاقمندی دارند. ازین جهت ما بتذکر تمام گذارشات و مباحثات آن بذل مقدرات مینمائیم. ب. د. [یعنی برهان الدین کشکی]}

ذات جهانبانی نسبت بدین معاهده فرمودند که سفارت سیار ما بعد از عقد معاهده انگلستان و افغانستان بانعقاد عهد نامه متحدانه با دولت عثمانیه موفقیت حاصل نموده است. این معاهده نظر بتمام معاهدات افغانستان یک معاهده با شان و شرف بوده، دو کتله عظیم الشان اسلامیان از روی آن با هم در غم و شادی متفق و متحد شده بودند.

لهذا از اول تا آخر وکیل صاحب خارجیه عهد نامه مذکور را قرائت میکند. اگر تنقیدات و اعتراضاتی را بر مواد آن ملاحظه نمودید، همانا اظهار خواهید نمود. در نتیجه بر طبق آراء و افکار شما حکومت تان کار خواهد کرد. بعد آقای شیر احمد خان عهد نامه ترکیه را از اول تا آخر خواند. بعد از اتمام هر فقره آن تشریحات و توضیحاتی لطیف و معانی شریفی آویزه گوش صداقت نبوش حضار میگشت و بر هر ماده آن تفسیراتی ایراد شد که تحریر آن بطوالت می انجامد. بهر تقدیر بعد از قرائت معاهده مطالب عمده اسوله [سؤالها] و اجوبه [جوابها] و گفت و شنیدی که درین موضوع از طرف لویه جرگه بعمل آمده است، قرار آتی اس:

د پانو شمیره: له 2 تر 7

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولئ

مولوی صاحب کامه: بعد از اختتام عهد نامه و تشریحات مکتوب آقای فخری پادشاه سفیر ترکیه در افغانستان، جناب مولوی صاحب کامه برپا خواسته عرض نمود که این معاهده نهایت با شرف و سراپا در آن مراعات اصول مقدسه اسلامی به مقررات اخوت مرعی میباشد، تنها مسئله خلافت که خود ترکیه موجب الغای آن گردیده است، درین معاهده امریست اهم و مسئله ایست قابل بحث ولی تنها این مسئله مهتم بالشان را که تمام عالم اسلام در آن حق اظهار آراء و افکار شانرا دارند، تنها افغانستان حل و فصل نموده نمیتواند. باید برای تصفیه مسئله خلافت از هند و سند، مصر و الجزائر، تونس و مراکش، عرب و شامات و عراق و دیگر نقاط لازمه اسلامی نیز علمای جید با افغانستان مدعو شوند و یا علمای افغانستان بھر موضعیکه علمای جهان آنرا تخصیص فرمایند، رفته تا با آراء متفقہ این مسئله مهمه را فیصله نمایند.

علیحضرت: ازین مفکوره مولوی صاحب اظهار بشاشت و خُرمی کنان فرمودند: - به اندازه افکار من و حضرت مولانا اتحاد دارد که اگر من خیالاتم را در خاتمه مبحث درین مسئله بیان نمایم همانا سامعین وهم [واهمه] خواهند کرد که ضرور من با این ملا صاحب قبلاً درین امر مذاکرات و سرگوشی نموده باشم.

لعل محمد خان وکیل: نیز به پا خاسته در آغاز بتائید مولانا در مسئله خلافت کلماتی ایراد نموده در خاتمه ضرورت این امر را بیان نمود که ازین وضعیت مُصطفی کمال پاشا، نباید با وی همچو یک معاهده متحدانۀ را دوام داشت. اولاً باید معاهده حاضر فسخ گردد، باز اگر حکومت ترکی خواهان تجدید عهد نامه بود، همانا که عهد نامه مساویانه را وزارت خارجیہ ما با وی انعقاد خواهد داد و الا خیر.

مولوی فضل ربی: در مفاد خلافت و تاریخ مختصر و خدمات مؤقرآن بیان داده ضمناً این مسئله را حتمی نشان داد که به بسیار زودی و سرعت فیصله خلافت را باید نمود و نباید گذاشت بهمین یک تفرقه معمولی که از طرف برخی از ارباب غرض در آن بوقوع پیوسته است، کاملاً خلیفه و خلافت لغو گردد و عالم اسلام موجب مضحکه و شماتت اعدا گردند. در خاتمه از روی برخی از دلائل نقلی حق خلافت را برای اعراب ثابت کنان تلمیحاً چنان از بیانش مفهوم میشد که باید خلافت از عرب بیرون نشود.

لعل محمد خان: به تردید مولوی فضل ربی برخواسته بدلائل توضیح نمود که موجب پریشانی عالم اسلام و برپادی ترکیه تنها غدر و خیانت (شریف حسین) در موقع محاربه عمومیه بوده است و نباید شریفی را که دست نگر اشارات و کنایات حکومت انگلیسی بوده ماهوار معاش خود را از بودجه وزارت خارجیہ انگلستان تحصیل میدارد، خلیفه گفت. این مسئله ایست که بدون از اتفاق جمهور اسلام انحلال آن خالی از اشکال نیست.

مولوی محمد بشیر: همچنانکه اهمیت قیام مناسبات افغانستان را با ترکیه بحیثیت یک دولت شرقی نشان داده بهمان اندازه تصفیه مسئله خلافت را بصورت فوری بذریعہ یک مجلس عمومی علمای اسلامی بیان داشته، ذات همایونی را بالفاظ مودبانه بادامه روابط ترکیه و عطف توجه نمودن شان به مسئله خلافت توجه داد.

علیحضرت: اولاً باید که جمعیت علمای اسلامیہ بیشتر از دیگر مذاکرات این مسئله را بسنجند که آیا نفس خلافت درین حاضرہ مفید است، یانه؟ و آیا خلیفه که معین شود، میتواند که تمام مسلمانان روی جهان را اداره کند، یانه؟ و آیا این مسئله قابل یقین است که با اوامر یک خلیفه ترکی، مسلمانان هند که بزیر فشار حکومت انگریزی و مردم مصر که طبعاً طرفدار حکومت محلی و مردم عرب که ذاتاً میلان بسوی مکه شریف و اهالی مراکش که ظاهراً بسوی امیر شان تمایل دارند، اجراء و رفتار خواهند کرد و یانه؟ بعد فیصله شدن این مسئله و حتمی بودن خلافت، باز متفقاً تعیین موضع خلافت را نموده فیصله

نمایند که چقدر قوای مادی و معنوی در خلافت ضروریست. اگرچه بخیال ما که علمای هر موضع مساعی جمیله شانرا نسبت بأمراء و رؤسای وطن خود این مسئله را لائق و انساب [مناسب تر] خواهند شمرد و مسائل و دلائل را اقامه کرده بجای منافع یک گونه نفاق و تفرقه را در بین اهالی تولید خواهند نمود.

ملای ترکستانی: در مفاد خلافت و خدمات و اهمیت آن بیان مختصری را ایراد کنان در خاتمه گفت که علمای اسلام از هر نوع و هر حیثیت ذات همایونی را مستحق و قابل خلافت می انگارند و باید شما هم این منصب رفیع را قبول نمائید.

علیحضرت: من بقول شما و دیگران این بار گران را که ظاهراً در راه او اشکالات بی پایانی را مینگرم، قبولدار شده نمیتوانم و به نفاق عالم اسلام رضامند نیستم، اولاً چنانچه معروض داشتیم باید در نواقص و فوائد وجود و عدم وجود خلافت بحث گردد سپس از آن تعیین موضع آن کار علمای اسلام است و بس.

یکدیگر عالم ترکستانی: چیز را که مکرراً علیحضرت در مسئله خلافت میفرمایند سراسر درست و قرین صواب است. فعلاً باید ما در ترقیات داخلی و ارتباط مناسبات خارجی خودمان بحث نمائیم و درین مجلس بر موضوع مسئله خلافت که تصفیه آن کار علمای جهان است، قبل از وقت تزییع اوقات خود را ننمائیم.

علیحضرت: حضرت ملا صاحب درست میفرمائید، باید لویه جرگه خلاصتاً جواب بگوید که آیا معاهده موجوده ترکها باقی ماند و یا تجدید گردد و یا تعدیل کرده شود؟

جمهور: بماند! مناسبات ما با ترکیه قطع نشود، ضرور بماند.

وزیر داخلی سابق: خودم نمیتوانم که طرفدار حرکات موجوده ترکیه باشم و معلومات شخصی خودم را نسبت به عملیات جگر خراش شان اظهار ننمایم. ترکیه اساس حکومت اسلامی را بر هم زده سلطنت خود را برخلاف مقررات اسلامی جمهوری قرار داده است. مدارس و ترویج عقائد دینی و مسائل شرعی را از مملکت خود موقوف نموده و خلافت را نیز لغو و منسوخ کرده خلیفه المسلمین را بحالت رقت آور در ظرف چند ساعت از اسلامبول اخراج نمود. آیا درینصورت جذبات اسلامی افغانستان ما روادار این مسئله خواهد بود که ما با ترکیه مناسبات خود را مزید برین قائم داشته باشیم؟

لعل محمد وکیل: تائید قول وزیر موصوف را نموده در خاتمه نظریه خودش را بر قطع مناسبات با ترکیه خاتمه داد.

شیر احمد خان وکیل وزارت خارجه: معاهده حاضره ما با ترکیه که فعلاً قرائت گردید سرپا درست و با شرف است، صرف لفظ «مقتدایها» غلط است باید اصلاح کرده شود، اما قیام مناسبات ما با ترکیه ضروری و برای آتیه شرق نهایت حتمی است و در مسئله خلافت نیز باید مکرراً ترکیه را دعوت قبول دهند و الا باتفاق جمعیت علمای اسلامی و نمایندگان ترکیه در مجلس جمعیه العلماء فیصله آن کرده شود.

وزیر مالیه: من نمیدانم که مقصد از خلافت چیست؟ و خلفای اسلامی درینقدر مدت مدید کدام فائده را بعالم اسلام عائد نموده اند. صفحات تاریخ شاهد حال و مؤید این مقال است که خلفای اسلامی بعد از قرون اولی بجز از عیاشی و تن پروری کاری نکرده اند و کوشش باجتماع مسلمان و در اتحاد افکار و آراء اسلام عملیاتی ننموده اند، همواره در مصائب با آنها معاونت را دریغ داشته و در پریشانی اطلاعات از احوال آنها اکتساب نکرده است. از طرف دیگر مسلمانان عالم نیز در مواقع عسرت و مغلوبیت بداد و فریاد خلفای اسلامی گوش ننهادند و در مهمات ضروریه با وی دستیاری و پشتیبانی را حیف دانسته

اند. اینک در حرب عمومی پشت ترکیه از دست همین مسلمانان هندوستان که امروز سنگ خلافت به سینه میکوبند، شکست و از مظالم اعراب خراب شد و از مصریان تائیدی ندید و از مراکش آوازی نشنید و مسلمانان دیگر نقاط هم مانند افغانستان با مرکز خلافت اسلامیان اظهار صمیمیت و روابط شانرا نمودند. آیا بدین اجمالی که گفتم از بودن خلافت کدام فائده مرتب میشود و برای عالم اسلام کدام مفادی را بوجود می آورد؟ بعد ازینکه علمای ما فوائد خلافت و ضرورت مقررری خلیفه را بدلائل اثبات نمودند، ما کوشش انعقاد مجلس علمای جهان و مذاکرات مانرا درین موضوع ضروری خواهیم پنداشت و الا از همچو کلمات غیر مفید بجز از تزییع اوقات دیگر ثمره نخواهیم چید.

اعلیحضرت: وزیر صاحب من درین نظریه با شما متفق نمیشام و گاهی طرفدار این مسئله خود را نمی پندارم که خلافت عظمی برای اسلام در ازمنه سابق کاری ننموده است و مسلمانان جهان در مواقع لاحق با ترکیه حق همدردی را ایفاء نکرده اند. آیا به لکهار روپیه اعانه از افغانستان و هندوستان و دیگر حصص جهان در مواقع مداخله ترکیه در محاربه عمومیه ارسال گشت، از کدام رهگذر بود؟ و جزع و قرع و وایلی و احتجاجاتیکه بر علیه متحدین از هر گوشه و کنار ممالک اسلامی برداشته شد، علتش چه بود؟ مخصوصاً درینموقعیکه یک رقم کشیدگی بعد از نا کامیابی مجلس نخستین لوزان در بین اتحادیون و کمالیون بوقوع پیوست، افغانستان حق اسلامیت و اخوت را به اندازه با ترکیه بجا آورده است که اگر انگریز حسب خواهش ترکیه بر طبق آمال عموم طبقات اسلامی دوباره سلسله چنان مصالحه با ترکیه نمیگشت و میدان مجادله را با ترکیه ترتیب میداد، علی الفور افغانستان نیز با انگریز در سرتاسر سرحدات خویش که پیشتر از (۶۰۰) میل است، دست بگریبان میشد. بهر تقدیر خدمتی را که ما با برادران اسلامی ترکیه خود کرده ایم ما بر آنها احسان نمیگذاریم زیرا ما مقررات دینی خویش را تعمیل نموده ایم.

وکیل...: اعلیحضرت! معاهده ما با ترکیه ضرور باید که باشد و اگر بعضی فقرات او را قابل اصلاح می پندارید در تجدید وی بکوشید اما اینجای بسیار تاسف خواهد بود که ما با دول اروپائی و ملل غربی و دشمنان دینی خود یک رقم مناسبات را دارا باشیم و با همچو یک ملت شجاع و غیور شرقی اسلامی مانند ترکیه بر طبق خواهش بعضی افراد کوتاه نظر قطع مناسبات نمائیم. البته از نقطه نظر اسلامیت و جذبات شریعت ملت افغانستان این مسئله نهایت زیبا و موزون خواهد بود که وفد خلافت از تمام عالم اسلامیت در پایتخت این مملکت مدعو شوند و هم درین مملکت اسلامی افغانی ما مسئله مهمه خلافت اسلامی حل و فصل گردد.

اعلیحضرت: درین فرصت ساعت (۵) تکمیل یافت. ذات همایونی مذاکرات معاهده ترکیه و افغانیه را بفردا ملتوی داشته، فرمودند اگر چه نظر به عدم پابندی تان بوقت و اضاعه [ضایع شدن] چند دقیقه از طرف چند طرف محفل، چنان بهتر مبیود که شما رامحض انتباه الی ساعت (۶) نگهداشته مجلس را اطاله [طول - ادامه] میدادم، اما چون روز اول بود و شما هم کاملاً از ترتیبات مجلس کسب اطلاع نداشتید با اینکه شما ناوقت آمده اید، ازینجا بوقت مرخص میشوید. سر از فردا از طرف صبح پوره بساعت (۸) و از جانب ظهر فقط بساعت (۲) احضار شوید. امشب در مسله ترکیه خوبتر غور فرموده فردا مجدداً در همین مبحث داخل مذاکرات خواهیم شد.

یکنفر وکیل قندهاری: لائحه دعائیه را قرائت نموده مجلس را خاتمه داد.

یوم یکشنبه (۲۹) سرطان روز دوم لویه جرگه ۱۳۰۳ش

درین روز عموم اعضای لویه جرگه بنابر تعریض دیروزه ذات ملوکانه قبل از ساعت (۸) کاملاً اجتماع ورزیده در مواقع خود شان اخذ موقع داشتند. ذات خجسته صفات همایونی نیز پوره بساعت (۸) رونق افزای محفل گشته محل صدارت را اشغال داشته بعد از وقفه قلیل فرمودند:
بنام خدا آغاز میکنم.

دیروز مذاکرات ما در مسله ترکیه نتیجه آخری خود را نشان نداده وقت پوره شده مذاکرات را بامروزه ملتوی نموده بودیم، البته شما هم درین موضوع دیشب فکر درستی را سنجیده خواهید بود. اینک باز همان سوال دیروزه را مکرر میدارم که آیا معاهده حاضره ما را با ترکیه چطور میدانید؟

محمد اسحق خان مستشار: فقره اساسی در معاهده ترکیه خلافت است در صورتیکه خلافت لغو شد ضرور باید اصلاح این فقره بعمل آید. معلوم است که در صورت اصلاح معاهده هذا تجدید میگردد و یک معاهده مساویانه منعقد خواهد گشت.

وزیر صاحب معارف: یک نطق طولانی را در ظرف بیست دقیقه ایراد کنان در آن یک تبصره مختصره خود را بر "خلافت" و خلفای آن نموده و ذکر دلبندی و همدردی را که از مدت‌های متمادی ممالک اسلامی با دولت عثمانی است، نمود که روح نطق و خلاصه آن را ما در الفاظ اجمالیه آتیه قلمبند مینمائیم.

خلافت و خلیفه در عصر [قرن] (۱۸) معانی حقیقی خویش را مالک نبوده با وجود حسن ارادت و عقیدت عالم اسلامی بمقام خلافت خلفای آن اعصار در ایفای وظائف مفوضه و خدمات اسلامی بسیار تغافل و تکاسل [کسالت] را بکار برده اند و گاهی بدرد عالم اسلام متالم و شادمانی شان مسروریت خود را نشان نداده اند. بعد از اینکه دولت عثمانی در محاربه عمومیه بدون صلاح و صوابدید عالم اسلام خود را داخل ساخت، ممالک اسلامی را بفحواى مشتی که بعد از جنگ بیاد آید، به کله خود باید زد. حینیکه کار از کار رفته بود اطلاع داد، با اینکه قبل ازین اطلاع مسلمانان بهیچ گونه ارتباط و مناسبات تحریری و تقریری بمقام خلافت فائز نبودند، باز هم در امداد مالی و جانی و دیگر همدردی ترکیه کوتاهی ننمودند. بعد از اینکه قوای عثمانیه کاملاً محو و زائل و چند تنی از سربازان ترکیه در انقره داخل مانده آن رقبه وسیعه ممالک ترکیه بهمان قصبه کوچک که اطراف و جوانبش را دشمنان تحدید نموده بودند، محدود گشت، مجدداً از احتیاجات مسلمانان تمام نقاط دنیا امداد و معاونت مالی و جانی عالم اسلامی ترکیه قوت از دست باخته خویش را مالک گشت. چنانچه مصطفی کمال پاشا و طرفدارانش در محاربه اخیره یونانیه حق سربازی و فداکاری را بجا نمودند. همچنان مسلمانان عالم حق معاونت و داد خدمت را ایفا کرده در نتیجه نه تنها خط حکومت ترکیه را توسیع و تمدید، بلکه آوازه رعب و وقار و شخصیت مصطفی کمال پاشا را در سرتاسر جهان بنزد دوستان و دشمنان اعلان نمودند. درین ضمن خدماتی را که افغانستان و مسلمانان هندوستان با ترکیه از زمان (۱۲۹۸) الی الان نموده اند، مخصوصاً قابل تمجید و تقدیر اند. چنانچه اروپا هم از جذبات مسلمانان و همدردی آنها با ترکیه تحت تاثیر آمده فرانسه اولاً به طرفداری ترکیه (که در حقیقت این مناسبات وی با ترکیه مخالفت علنی با انگلیشیه بود) پرداخت، طوریکه سربازی و شجاعت و فداکاری ترکیه قابل تذکر است، بهمان اندازه مساعی و همدردی عالم اسلام مخصوصاً از افغانستان و هندوستان لایق فراموشی نیست، بلکه درین نیکنامی عموم اسلام با ترک شرکت دارد. در اوائل از کارستانیهای مصطفی کمال پاشا عالم اسلام تماماً خود ها را عقیدتاً و وجداناً با مقام خلافت مربوط و منسلک می پنداشتند و عموماً همه تن و چشم و گوش گشته با استماع همه گونه اوامر و اکتساب

د پانوی شمیره: له 6 تر 7

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزي بني پازوالي د لیکوال په غاره ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لوی

اطلاعات ترکیه انتظار میکشیدند و دقیقه از دقیق اخلاص و عقیدت کبشی شانرا با ترکیه فرو گذار نشدند، اما بمجردیکه مصطفی کمال پاشا بعقد معاهده لوزان موفق گشت از حرکات ناصواب غرض آلود و تشخص پسندی خود دفعتاً دل عالم اسلام را مجروح و آمال و آرمانی شانرا مطرود کرد و آن سیاست متحده اسلامیة را که نسبت بترکیه قولاً و عملاً اقامه داده شوق از دیداد و ادامه آنرا بدل میپرورانیدند، فوراً بخاک برابر ساخت. خاصتاً شیشه امید افغانستان را نیز بسنگ حرمان انداخت. اگر چه ما ازین رویه حکومت جمهوریة ترکیه خیلی متاثر و مایوسیم، باز هم نا امید نمیباشیم زیرا هنوز هم در عالم اسلام اینجور اشخاصیکه محضاً برای ترقی و تعالیات اسلام سربازی مینمایند و از آنها بسا فوائد و عوائدی را برای اسلامیان مانند اعلیحضرت غازی تمنا داریم، بروی دنیا موجود است، ما را نباید بدین معاهده که خود ترکیه در آن مداخله کرده و خلافت عظمی را از آن لغو نموده است، پابند باشیم زیرا معاهده و خلافت چیزی واحد است و آنرا دو شق ساختن کاملاً مغالطه است. لویه جرگه را لازم است که یک خطاب پرعتابی را به ترکیه بنویسند و در آن مصطفی کمال را برین حرکات و اطوار او ملامت نموده به آنها حالی نمایند که ترکیه مستحق خلافت است باید مجدداً ملت ترکیه بار خلافت را متحمل گردد و یقیناً که عموم ملت شجاع و غیور ترکیه بگذارند و الغای خلافت رضامند نمیباشند. نباید عموم ملت ترکیه را به چند مغرض شخصیت خواه آن قیاس کرده عموم آنها را مطعون [طعنه] کرد. باید وفد خلافت از علمای جهان اولاً نزد ترکان (اگر مجدداً خلافت را قبولدار شوند) فرستاده شود تا این معاهدات قبلی و وجدانی و عقیدتمندی را که عالم اسلام از مدتهای مزیدی با مقام خلافت ترکیه مربوط داشت، بطلان نپذیرد و نباید از خلافت چنانچه بعضی از حضرات میفرمایند، صرف نظر نمائیم، چه خلافت است سلم ترقی و نردبان تعالی عالم اسلامی.

(ادامه در قسمت هفتم)



(این عکس تاریخی را جناب محمد ایاز نوری (آزادی) ارسال داشته اند که زیب این قسمت میگردد)

د پانو شمیره: له 7 تر 7

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په خیر و لولئ